

طرحواره
تکمیل فرایند
برنامه ریزی درسی
و تولید مواد و منابع
آموزشی - تربیتی
سازمان پژوهش و
برنامه ریزی آموزشی

برنامه درسی ملی تا سطح مدرسه

دفتر برنامه ریزی و تألیف
کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

خرداد ۱۴۰۱

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی





سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سازمانی با مأموریتی ویژه در مقیاس ملی است. این مأموریت طراحی نظام برنامه‌ریزی درسی و چگونگی تولید بسته‌های تربیت و یادگیری است. همچنین تهیه و تمهید زیرساخت‌هایی مانند تدوین استانداردها، تعیین نظام مشارکت شرکا در تولید مواد و منابع آموزشی و تربیتی بخشی دیگر از این مأموریت است. مدیران و کارشناسان سازمان می‌دانستند که جامعه از آن‌ها انتظار دارد که بعد از تدوین سند تحول و برنامه درسی ملی اجرای این مأموریت‌ها متحول شود.

اقدامات سازمان به‌ویژه فعالیت‌های دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه نظری برای طراحی برنامه درسی از روزهای شروع تدوین «برنامه درسی ملی» در سال ۱۳۸۵ آغاز شد؛ و تا امروز فراز و فرودهای بسیاری به خود دیده است، اما به‌رغم آن که برنامه درسی ملی به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسیده است، سازمان پژوهش به دلایل متعددی هنوز نتوانسته خروجی نهایی ناظر به تولید مواد و منابع آموزشی را فراهم کند، همچنان که انتظاراتی که از مدارس بر مبنای اسناد تحولی می‌توان داشت را نیز تبیین نکرده است.

ما امروز، میراث‌دار این تلاش شانزده ساله هستیم که فعالیت‌های متعددی را شامل می‌شود. هر کدام از این فعالیت‌ها تجربه‌های گران قدری با خود



دارند؛ بنابراین اجماع و همدلی درون سازمانی و زمینه‌سازی برای مشارکت صاحب‌نظران و ارکان شریک سازمان در نظام تعلیم و تربیت برای رسیدن به یک محصول نهایی ضرورت دارد. این محصول هم باید برآیند کارشناسی آن زحمات باشد و هم خلاقانه پاسخ‌گوی نیازهای خاص امروزین نظام تعلیم و تربیت باشد.

بر این اساس سازمان پژوهش، و به صورت خاص دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری تلاش می‌کند در یک فرایند برنامه‌ریزی شده سه ساله پاسخ‌گوی بخش عمده‌ای از این نیازها باشد. این متن، توضیحی مختصر و عملیاتی درباره فرایندهای پیش‌بینی شده در اجرای این مهم است. پشتوانه ما در این کار، اسناد تحولی همانند سند تحول و سند برنامه درسی ملی و مجموعه مبانی نظری و مستندات و پژوهش‌های انجام شده در فرایند تدوین و اجرای این اسناد، مصوبات بعد از اجرای این اسناد (از جمله اهداف دوره‌های تحصیلی و زیرنظام برنامه درسی)، برنامه‌های حوزه‌های تربیت و یادگیری تدوین شده و مستندات و گفت‌وگوهای کارشناسی درباره این برنامه‌ها، و چه بسا مهم‌تر از همه این موارد، توان کارشناسی مجموعه سازمان و همچنین همکاران و صاحب‌نظران مرتبط با سازمان است. در فرایند این کار با تشکیل کمیته‌های کارشناسی و پژوهش‌های مورد نیاز، سعی خواهیم کرد «عالمانه و عاقلانه بودن» محصول کار را نیز تضمین کنیم.

چرا نیازمند طراحی منظومه‌ای از اقدامات، از سطح اسناد ملی تا سطح تولید بسته‌ها و ارائه خدمات به مدرسه هستیم؟

پیش از شرح مجموعه اقدامات و مراحل پیش‌بینی شده برای تکمیل برنامه درسی (از سطح ملی تا مدرسه)، یادآوری برخی ملاحظات ضروری به نظر می‌رسد.

اول

تدوین برنامه درسی حوزه‌ها حدود هفت سال پیش شروع شد و در این مدت بارها به اشکال مختلف بازیابی و اصلاح شد. نتایج گفت‌وگو در درون کمیسیون و کارگروه شورای عالی و همین‌طور بحث‌های مطرح شده در سطح دفتر و سازمان از منظر کارشناسی، نشان می‌دهد که همچنان برنامه درسی حوزه‌ها نیازمند بازیابی و اصلاح است.

مهم‌ترین اشکالات مطرح شده را می‌توان این چنین جمع‌بندی نمود:

- حوزه‌های یادگیری به جای این که دلالت‌های مورد نیاز خود را از تأکیدات



دوره‌های تحصیلی به عنوان مؤلفه‌های وحدت بخش دریافت کنند، این دلالت‌ها را به صورت مستقیم از برنامه درسی ملی اقتباس کرده‌اند.

■ با توجه به مراحل برنامه‌ریزی مورد نیاز از برنامه درسی ملی (و دیگر اسناد) تا سطح مدرسه، برای حوزه‌های یادگیری نقش دقیقی پیش‌بینی نشده است. همچنین خدمات مورد نیاز حوزه‌های یادگیری (یعنی مرحله قبل) و خدماتی که به مرحله بعدی می‌دهد، به خوبی تبیین نشده است. شایان ذکر است که این مراحل باید قبل از شروع تولید حوزه، طراحی می‌شد تا اقدامات با آگاهی بیشتر و به صورت منسجم انجام گیرد.

■ در طراحی حوزه‌ها به ده مؤلفه یا عنصر توجه شده است، اما به خوبی آشکار است که نمی‌توان از «مباحث پیش‌بینی شده در حوزه‌های یادگیری» به «بسته‌های یادگیری» رسید. به عبارت دیگر، می‌توان گفت حوزه‌های تربیت و یادگیری چارچوب کافی و کامل برای تدوین بسته‌های تربیت و یادگیری نیستند، بلکه به عنوان یکی از «میانجی»ها و منابع مورد نیاز برای تولید بسته‌ها (خصوصاً به مثابه منبع برای بخشی از جغرافیای محتوایی دروس و بسته‌های تربیت و یادگیری) ایفای نقش می‌کنند و به همین خاطر، نیازمند تکمیل هستند.

■ با توجه به آنچه گذشت، بدون توجه به مراحل (اقدامات) قبل و بعد از راهنمای حوزه‌ها، اصلاح آنها ممکن و مقبول نیست.



در نظام آموزش عمومی، مدرسه مهم‌ترین موقعیت و عرصه‌ای است که تربیت و آموزش در آن محقق می‌شود. متأسفانه مدرسه در کشور ما، درگیر ضعف‌ها و نارسایی‌های هویتی و عملکردی متعدد و متنوعی است. در حالی که بخشی از این ضعف‌ها، ناشی از عوامل پیچیده تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است و حل و رفع آنها، تأملات و اقدامات بنیادین متفاوتی را طلب می‌کند، بخشی از آنها نیز پیامد طبیعی ضعف در برنامه‌ریزی با نظر به سطح مدرسه‌ای است. از این‌رو، هرچند ناتوانی مدرسه در ایفای نقش فرهنگی و اجتماعی مؤثر خود، یک معضل فرهنگی-اجتماعی پیچیده است، ولی به نظر می‌رسد در صورت تحقق موارد زیر، مدرسه خواهد توانست نقش خود را -هرچند به صورت نسبی- به گونه مؤثرتری ایفا کند:

■ شناخت درستی از راهنمای عمل برنامه درسی ملی در سطح مدرسه و به زبان مدرسه داشته باشد، به این معنا که عوامل مدرسه (و حتی دیگر عوامل آموزش و پرورش در سطح منطقه، استان و بخش‌های مختلف ستادی وزارت) بدانند که در سطح مدرسه، چه اهداف و مقاصدی باید به فعالیت‌ها جهت دهد؟ چارچوب برنامه‌ای که باید محقق شود، چیست؟ چه مناسبات و روابطی باید حاکم باشد؟ و چه برنامه‌ها و اقداماتی باید انجام شود؟ (نقشه)



تربیت و یادگیری دانش‌آموزان)^۱

— مجموعه‌ای از مواد و منابع آموزشی مورد نیاز برای بهره‌مندی از فرصت‌های تربیت و یادگیری^۲ (و در برخی موارد و سطوح، طراحی و ایجاد آنها) که به تحقق این نقشه کمک می‌کند را در اختیار داشته باشد و آنها را به‌خوبی بکار گیرد (بسته‌های یادگیری).

— برای تحقق موارد فوق از پشتیبانی علمی پایدار برخوردار باشد.

اگر این سه نیاز مدرسه را قبول داشته باشیم، آن‌گاه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سه خروجی داشته باشد:

— برنامه‌ی درسی مدرسه‌ای برای هر دوره‌ی تحصیلی (راهنمای عمل برنامه‌ی درسی ملی در سطح مدرسه‌ای به‌عنوان یا نقشه‌ی تربیت و یادگیری در مدرسه)

— تولید یا مدیریت تولید بسته‌های تربیت و یادگیری برای هر دوره‌ی تحصیلی

— بسته‌ی مدیریت اجرای درست برنامه‌ی درسی مدرسه‌ای و ارائه‌ی خدمات پشتیبانی نسبت به آن، به‌منظور شریک ساختن موثر، مسئولانه و فکورانه‌ی دیگر عوامل سهیم و مؤثر در برنامه‌های درسی مدرسه‌ای (مدیران مدارس، اولیای دانش‌آموزان، کارشناسان و مدیران در سطح مناطق، استان، و حوزه‌ی ستادی)

۱- مختصات این «راهنمای عمل برنامه‌ی درسی ملی در سطح مدرسه» در ادامه با تفصیل بیشتری توضیح داده خواهد شد.

۲- فرصت‌های تربیت و یادگیری به معنای مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، تجارب، موقعیت‌ها و شرایط/وضعیت‌هایی است که بر اساس طرحی که در برنامه‌ی درسی آمده، فراهم شده یا طراحی و خلق می‌شود تا دانش‌آموز با قرار گرفتن در آن، به کسب آموخته‌ی جدیدی بپردازد.

محور و کانون این سه خروجی سازمان به‌طور قطع، راهنمای عمل برنامه درسی در سطح مدرسه است و این راهنمای عمل، نخستین و مهم‌ترین گام در تغییر ریل از کتاب درسی به سوی برنامه درسی مطابق با سند برنامه درسی ملی است. توضیح بیشتر این که زمانی می‌توان یک بسته یادگیری منسجم، یکپارچه و رشددهنده تهیه کرد که مبتنی بر برنامه درسی مدرسه‌ای دوره‌های تحصیلی باشد. همین‌طور زمانی می‌توان انتظار داشت که عوامل سهیم و مؤثر در تربیت، نقشی فعال و موثر و از همه مهم‌تر نقشی متفکرانه نسبت به آنچه در حال انجام آن هستند، داشته باشند که فهم روشنی از برنامه درسی مدرسه‌ای داشته باشند. البته این سخن به هیچ وجه به معنای واگذاری کامل تولید بسته‌های تربیت و یادگیری به مدرسه نیست، بلکه سازمان همچنان نقش خود در تولید بسته‌ها (یا حداقل مهم‌ترین اجزای بسته‌ها همانند کتاب درسی، خصوصاً نسبت به دروس حساس و با اهمیت) را ادامه خواهد داد. در این وضعیت، مهم‌ترین فواید تولید راهنمای عمل برنامه درسی مدرسه‌ای آن است که:

- معلم با قرار دادن کتاب درسی یا دیگر اجزای بسته در چارچوب راهنمای عمل برنامه درسی مدرسه‌ای، فهم منسجم‌تر، کلان‌تر و متفکرانه‌تری نسبت به درس خود و جایگاهش در کلیت نقشه‌ی تربیتی دوره خواهد داشت.
- تمامی عوامل، ذی‌ربطان و علاقمندان (از معلم گرفته تا عوامل ستادی و مجموعه‌های غیر دولتی) به صورت شفاف‌تر و آسان‌تر می‌توانند در تولید



برخی اجزای بسته‌ها مشارکت کرده یا به طراحی و خلق هرگونه فرصت یادگیری همسو با برنامه درسی ملی اقدام کنند.

— این راهنمای عمل با در کنار هم دیدن بخش‌های تجویزی، نیمه‌تجویزی و انتخابی برنامه درسی و در نظر گرفتن فرصت و چارچوب مناسب برای هر یک از آنها، زمینه‌سازی مناسب‌تری برای تحقق بخش‌های تجویزی و نیمه‌تجویزی آن فراهم آورده و بخشی از چالش‌های اجرای «بوم» (که ناشی از عدم اختصاص فرصت یا بستر مناسب برای در نظر گرفته شدن به عنوان بخشی طبیعی از برنامه درسی مدرسه‌ای است) را برطرف خواهد کرد.



در حال حاضر سازمان پژوهش «کتاب درسی» و به صورت غیر منظم «راهنمای معلم» در اختیار مدارس قرار می‌دهد و دیگر معاونت‌ها (پرورشی، آموزشی، تربیت بدنی و...) نیز برنامه‌های مربوط به حوزه خودشان را به مدارس می‌دهند و هر کدام از این نهادها انتظار دارند برنامه‌هایشان به درستی در مدارس اجرا شود. این درحالی است که این نهادها هماهنگی لازم را با یکدیگر ندارند. بطور قطع هماهنگی بین بخش‌های مختلف در کارکرد مدرسه در گرو پیش‌بینی تمهیدات متعددی است که یک برنامه درسی یکپارچه می‌تواند یکی از مهمترین آنها باشد.

چهارم



وقتی که برنامه درسی ملی آماده شد، به این نکته کمتر توجه شد که از این برنامه (با توجه به مولفه‌هایش) نمی‌توان به عنوان راهنمای عمل تربیتی مدرسه استفاده کرد. به عبارت دیگر، برنامه درسی ملی (National Curriculum) زمانی در حوزه اجرا قابل بهره‌برداری است که به «برنامه درسی در سطح مدرسه» تبدیل شده باشد. بنابراین تا زمانی که سازمان دست به تهیه برنامه درسی در سطح مدرسه‌ای نزند، سخن گفتن از اشاعه برنامه درسی، استقرار برنامه‌های مورد انتظار، توسعه آموزشی و... چندان معنادار نیست. این برنامه باید به تمام آنچه که باید در مدارس اتفاق بیفتد، توجه داشته باشد.

پنجم



پژوهش‌های متعددی درباره فاصله بین برنامه‌های قصد شده و اجرا شده انجام شده است. همه این پژوهش‌ها نتیجه‌گیری کرده‌اند که بین این سه نوع برنامه فاصله وجود دارد و سال‌هاست که این اتفاق تکرار می‌شود. چرا سازمان تاکنون موفق به کاهش این فاصله نشده است؟

به نظر می‌رسد یکی از دلایل با اهمیت این موضوع آن است که مدارس و مدیران حوزه اجرا و دیگر ذی‌ربطان، اطلاع دقیقی از راهنمای عمل



برنامه درسی ملی برای مدرسه ندارند؛ زیرا تا کنون به جای یک راهنمای عمل تربیت در سطح مدرسه، کتاب درسی مبنای عمل در مدرسه است و مشکل از همین جا شروع می‌شود.

ششم



با یک نگاه اغراق آمیز سازمان پژوهش با الگوی مدیریتی‌اش در نظام برنامه درسی، نقش مدارس را به جای **فزاینده‌گی** (زایشی) به **کاهنده‌گی** (ریزشی، میرندگی) تبدیل کرده است. وقتی کتاب درسی برای مدارس به عنوان تنها راهنمای تربیتی باشد، مدارس نیز عمدتاً همان محتوا را اجرا می‌کنند و طبیعی است که در همین محدوده نیز از آن‌ها انتظار داریم. این تصور، نقش مدرسه را از فزاینده‌گی، پویایی، توسعه و... به کاهنده‌گی و ایستایی تغییر داده است. وجود راهنمای عمل برنامه درسی برای مدرسه، می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در تغییر نقش مدرسه از مجری صرف به مدرسه انتخابگر، انطباق‌گر، و تولیدگر و در نتیجه، فزاینده‌گی بیشتر مدرسه عمل کند.



به نکات فوق می‌توان موارد متعدد دیگر از جمله برون سپاری، چند تالیفی، فرهنگ مشارکت ذی‌نفعان، توسعه آموزشی و کاهش حصار سازمانی را اضافه کرد.

شرح فرایند کار (روند نمای کلی از اسناد بالادستی تا سطح مدرسه):



برای داشتن یک برنامه درسی یکپارچه و منسجم در سطح مدرسه به عنوان راهنمای عمل تربیت، ضروری است که یک تصویر دقیق و روشن از اقداماتی که قرار است از اسناد بالادستی (برنامه درسی ملی و ...) تا سطح مدرسه انجام گیرد، داشته باشیم. هشت گام یا مرحله زیر ناظر بر چنین دغدغه‌ای به شرح ذیل پیش بینی شده است.

گام اول: تأکیدات وحدت‌بخش و انسجام‌دهنده به فرآیند طراحی برنامه



تولید حوزه‌های یادگیری یازده گانه به عنوان یکی از مراحل برنامه‌ریزی درسی بدون توجه به یک جهت وحدت‌بخش، فاقد انسجام و یکپارچگی خواهند بود. این جهت وحدت‌بخش در کلان‌ترین سطح خود عبارت است از: «ایده‌آساسی



تربیت رسمی و عمومی (به اصطلاح رایج ایده آموزش رسمی عمومی) در جمهوری اسلامی ایران». این ایده اساسی، پاسخی است که در برابر پرسش از هویت، معنا و غایت اصلی تربیت رسمی و عمومی می‌نهیم. ایده تربیت رسمی و عمومی دارای دو وجه «فردی» و «ساختاری» است: وجه فردی آن، توسط «شایستگی‌های مشترک» - که تربیت رسمی و عمومی به دنبال تحقق آنها در دانش‌آموزان است - بسط و تفصیل می‌یابد و وجه ساختاری آن، در ضمن «دوره‌های تحصیلی» عینیت می‌یابد. بر این اساس، دو عامل اساسی وحدت‌بخش فرآیند طراحی برنامه - که البته کاملاً در هم تنیده‌اند و بر بنیاد «ایده اساسی تربیت رسمی عمومی» شکل می‌گیرند - عبارتند از:

(۱) شایستگی‌های مشترک / فراحوزه‌ای

(۲) هویت دوره‌های تحصیلی

در ادامه، توضیحاتی درباره هر یک از دو عامل فوق ارائه می‌شود.

شایستگی‌های مشترک / فراحوزه‌ای



شایستگی مشترک / فراحوزه‌ای، مجموعه‌ای ترکیبی از صفات، دانش‌ها، توانمندی‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌هایی هستند که دانش‌آموزان برای درک و عمل شایسته در موقعیت‌های مختلف و موفقیت در یادگیری، زندگی و کار، باید آنها را کسب کنند. این شایستگی‌ها علاوه بر ابعاد و اضلاع مختلف

(خرده‌شایستگی‌ها)، قابل سطح‌بندی نیز هستند و در قالب واژگان و جملات واضح، توصیف می‌شوند. به عنوان نمونه، می‌توان به «هویت»، «تفکر»، «سواد پایه»، «خودیادگیری و خودمدیریتی» و مانند آنها اشاره کرد.

شایستگی‌های مشترک از طریق بررسی و تحلیل این منابع به دست می‌آیند:

الف) شایستگی‌ها، مفاهیم و مهارت‌های فراحوزه‌ای موجود در برخی حوزه‌های تربیت و یادگیری (همانند: آداب و مهارت‌های زندگی، حکمت و معارف، کار و فناوری و ...)

ب) شایستگی‌های قابل استخراج از اهداف بالادستی و مطالبات حاکمیتی (همانند بیانات مقام معظم رهبری)

ج) تلاش‌های انجام شده در سال گذشته در سازمان

د) نیازسنجی (با تمرکز بر فراتحلیل نیازسنجی‌ها و گزارش‌های مطالعاتی ناظر به وضعیت‌سنجی‌ها، آسیب‌شناسی‌ها یا آینده‌پژوهی‌های تربیتی-آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی-شغلی)

خروجی این مرحله، «درختواره شایستگی‌های مشترک نظام آموزش رسمی عمومی» خواهد بود.



هویت دوره‌های تحصیلی^۱

مقصود از هویت دوره‌های تحصیلی، توصیف غایت، جهت‌گیری‌ها/ رویکردها و ویژگی‌های هر یک از دوره‌های تحصیلی و بیان تجویزها و انتظارات ناشی از این توصیف‌هاست. تبیین هویت هر دوره تحصیلی در ضمن این مؤلفه‌ها صورت می‌پذیرد:

- (۱) غایت یا ایده کلی دوره
- (۲) اهداف و شایستگی‌های مشترک مورد تأکید دوره
- (۳) مهم‌ترین رویکردها و جهت‌گیری‌های مدنظر دوره
- (۴) راهبردهای یاددهی و یادگیری دوره
- (۵) راهبردهای سنجش و ارزشیابی دوره
- (۶) نقش ویژه هر یک از عوامل تربیت در دوره (خصوصاً معلم و عوامل مدرسه، دانش‌آموز و خانواده)
- (۷) ساختار کلی توزیع زمان آموزش در دوره (تعیین ظرف‌های زمانی مورد نیاز برای تحقق اهداف و شایستگی‌های دوره)
- (۸) محیط‌های یادگیری ویژه دوره
- (۹) اصول و ملاحظات کلی طراحی برنامه درسی و تدوین بسته‌های تربیت و یادگیری در دوره

۱ - شایان ذکر است در خصوص هویت دوره‌های تحصیلی پیش نویسی در سال ۹۷ در دفتر تهیه شده است که می‌تواند به عنوان نقطه آغاز مورد استفاده قرار گیرد.

در ادامه، توضیحاتی اجمالی دربارهٔ هر یک از مؤلفه‌ها ارائه می‌شود.

۱ غایت یا ایده کلی دوره

غایت یا ایده کلی دوره عبارت است از معنا و مقصد اساسی هر دوره تحصیلی که هدف نهایی از دوره، تحقق آن است. به عنوان نمونه می‌توان گفت ایده هر یک از دوره‌های چهارگانه کنونی عبارتند از: دوره اول ابتدایی: یادگیری‌های پایه، دوره دوم ابتدایی: اجتماعی شدن، دوره اول متوسطه: هویت یابی، دوره دوم متوسطه: تربیت تخصصی. ایده هر دوره، صورت اجمالی جهت‌گیری‌های کلان هر دوره را آشکار می‌کند، همچنان که یکی از مهم‌ترین منابع برای دستیابی به شایستگی‌های دوره و تعیین راهبردهای یاددهی و یادگیری، سنجش و سازمان‌دهی محتوا در دوره‌ها خواهد بود.

۲ اهداف / شایستگی‌های مورد تأکید دوره

اهداف دوره‌های تحصیلی، عبارتند از اوصاف، دانش‌ها، توانمندی‌ها و مهارت‌هایی که تمامی عوامل سهیم و مؤثر در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، باید در برنامه‌ریزی امور، سازمان‌دهی فعالیت‌ها و انجام وظایف خود به‌گونه‌ای عمل کنند که دانش‌آموزان در پایان هر یک از دوره‌های تحصیلی، به آنها دست یابند. این اهداف از طریق تحلیل اسناد بالادستی (خصوصاً «اهداف دوره‌های تحصیلی» و «زیرنظام برنامه درسی») و سطح‌بندی‌های شایستگی‌های مشترک به دست می‌آیند.



۳ مهم‌ترین رویکردها و جهت‌گیری‌های مدنظر دوره

رویکردها و جهت‌گیری‌های دوره شامل: (الف) برش دوره‌ای رویکردها و جهت‌گیری‌های کلان آموزش رسمی عمومی^۱ و (ب) رویکردهای تربیت و آموزش هر دوره تحصیلی که برآمده از غایت و ایده کلی آن دوره هستند و در سازمان‌دهی اجزا و عناصر برنامه درسی در آن دوره اثرگذارند، می‌باشد. به عنوان نمونه در بخش الف، با توجه به این که رویکرد کلی برنامه‌های درسی بر اساس اسناد بالادستی، فطرت‌گرایی توحیدی است، انتظار این است که دلالت‌های این رویکرد در جهت‌گیری‌های هر یک از دوره‌های تحصیلی، به میزان مقدور، مشخص شود. این امر می‌تواند در قالب برجسته‌تر شدن برخی از شایستگی‌های مشترک در هر دوره یا تعیین میزان دوری و نزدیکی رویکردهای رایج به تربیت و آموزش در هر دوره با نگاه فطرت‌گرایانه به انسان مشخص شود.

در بخش (ب) نیز به عنوان مثال، در نظر گرفتن «اجتماعی شدن» به عنوان ایده‌آسای دوره ابتدایی دوم، مستلزم توجه بیشتر به رویکردهای ارتباطی در تربیت و آموزش، یا تأکید بیشتر بر خوشه خاصی از شایستگی‌های

۱ - رویکردها و جهت‌گیری‌های کلان آموزش رسمی عمومی، مبتنی بر مبانی فلسفی، ارزش‌ها، باورها، دیدگاه‌های تربیتی-آموزشی و نیازهای فرهنگی و اجتماعی تعیین شده و تقریباً مشابه و هم‌تراز ایدئولوژی‌ها و فرهنگ‌های کلان حاکم بر برنامه درسی هستند. طرح و بررسی تفصیلی این مسئله که این رویکردهای کلان چگونه برش دوره‌ای می‌خورند یا آیا اساساً در سطح دوره‌ها، بازتاب و انعکاس دارند یا خیر، در مراحل آتی صورت خواهد گرفت.

مشترک، یا تأکید بر موقعیت‌ها و محیط‌های یادگیری ویژه یا برقراری نسبتی خاص میان سهم هر یک از حوزه‌های یادگیری در این دوره است. به طور کلی، مشخص کردن رویکردها در برنامه درسی یک دوره، عامل مهمی در (۱) برجسته‌سازی محتوای مورد تأکید هر دوره، (۲) وحدت بخشی به عناوین درسی در آن دوره و (۳) تعیین چگونگی یادگیری و کسب شایستگی‌های مشترک و اختصاصی-حوزه‌ای در هر دوره است.

۴ راهبردهای یاددهی و یادگیری دوره

درکنار راهبردهای اختصاصی هر حوزه، راهبردهای یادگیری مشترک در سطح دوره‌ها، در مراحل تعیین عناوین و ساعات دروس، تهیه برنامه درسی / راهنمای تفصیلی هر یک از این عناوین، تهیه راهنمای عمل برنامه درسی ملی در سطح مدرسه و همچنین، تهیه راهنمای تولید بسته‌های تربیت و یادگیری این کمک را می‌کند که برنامه‌ها، بسته‌ها و در نتیجه، تربیت و یادگیری دانش‌آموزان در جهت اهداف مشترک دوره قرارگیرد. راهبردهای یادگیری هر دوره با نظر به بندهای ۴/۱ تا ۴/۸ سند برنامه درسی ملی و همچنین، ایده کلی، اهداف/شایستگی‌ها و رویکردهای کلی هر دوره تعیین می‌شوند.

۵ راهبردهای سنجش و ارزشیابی دوره

راهبردهای سنجش در هر دوره خصوصاً در مراحل تهیه برنامه درسی / راهنمای تفصیلی هر یک از عناوین درسی و همچنین، تهیه راهنمای



عمل برنامه درسی ملی در سطح مدرسه تأثیر گذارند. این راهبردها از طریق تحلیل برنامه درسی ملی به ویژه بندهای ۵/۱ تا ۵/۴ آن و همچنین، ایده کلی، اهداف/شایستگی‌ها و رویکردهای کلی هر دوره به دست می‌آیند.

۶ نقش ویژه هر یک از عوامل تربیت در دوره (خصوصاً معلم و عوامل مدرسه، دانش‌آموز و خانواده)

نوع نقشی که معلم و دانش‌آموز و دیگر عوامل اثرگذار در فرایند یاددهی-یادگیری ایفا می‌کنند، در طراحی راهنمای عمل برنامه درسی در سطح مدرسه، تهیه برنامه درسی / راهنمای تفصیلی هر یک از عناوین درسی، تدوین و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری، و خدمات پشتیبانی از اجرای برنامه درسی در سطح مدرسه اثرگذار است. این مؤلفه با تحلیل مطالب مطرح شده در اسناد بالادستی (همانند مبانی نظری تحول بنیادین و برنامه درسی ملی) در این زمینه و همچنین، استخراج دلالت‌های اهداف/شایستگی‌ها و رویکردهای کلی هر دوره به دست خواهد آمد.

۷ زمان آموزش در دوره و ساختار کلی توزیع آن (تعیین ظرف‌های زمانی مورد نیاز برای تحقق اهداف و شایستگی‌های دوره)

منظور از این مؤلفه، زمان اختصاص یافته به کلیه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی کلاسی و غیر کلاسی مدرسه‌ای^۱ و تعیین نسبت کلی توزیع

۱- از نمونه فعالیت‌های رسمی غیر کلاسی می‌توان به مشاهده طبیعت، انجام فعالیت‌های میدانی، بازدید از موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و مراکز علمی، تولیدی، فرهنگی، مذهبی، نهادها و مؤسسات اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های ورزشی، شرکت در فعالیت گروهی و انجمن‌های علمی، اردوهای علمی، زیارتی و سیاحتی، مطالعه کتاب و روزنامه و... اشاره کرد.

آن میان شایستگی‌های مشترک و اختصاصی-حوزه‌ای یا فعالیت‌ها و فرصت‌های تربیت و یادگیری است. توزیع زمان آموزش از طریق تحلیل اسناد بالادستی خصوصاً سند اهداف دوره‌های تحصیلی، ایده کلی، اهداف/شایستگی‌ها و رویکردهای کلی هر دوره، مطالعات تطبیقی-مقایسه‌ای درباره وضعیت زمان آموزش و همچنین، تجارب و مطالعات داخلی درباره وضعیت زمان آموزش در کشور به دست می‌آید.

ویرایش و پالایش حوزه‌های تربیت و یادگیری در بخش اهداف و محتوا بدون توجه به حجم و نسبت کلی زمان اختصاص یافته به هر حوزه در هر یک از دوره‌های تحصیلی ممکن نیست. بنابراین، تصویری کلی و اجمالی از زمان و توزیع آن در دوره‌ها می‌تواند به عنوان یک عنصر وحدت‌بخش و تنظیم‌کننده نسبت به حوزه‌های یادگیری عمل کند.

بدیهی است که این مؤلفه، هرچند در گام سوم (تعیین عناوین درسی و توزیع زمان آموزش) تأثیرگذار است، لکن متفاوت از آن است و متمرکز بر تعیین و تبیین وضعیت کلی زمان آموزش و توزیع آن در هر یک از دوره‌هاست.

۸ محیط‌های یادگیری ویژه دوره

این مؤلفه به محیط‌ها و فضاها، طبیعی، اجتماعی، آموزشی و خدماتی-حمایتی در مدرسه و خارج از مدرسه اشاره دارد که به طور مستقیم در تربیت و یادگیری دانش‌آموزان دخالت دارد. این مؤلفه نیز از تحلیل ایده کلی، اهداف/شایستگی‌ها و رویکردهای کلی هر دوره به دست می‌آید.



۹ اصول و ملاحظات کلی طراحی برنامه درسی و تدوین

بسته‌های تربیت و یادگیری در دوره

انسجام و یکپارچگی در فرایند برنامه‌ریزی درسی زمانی اتفاق می‌افتد که بین طراحی برنامه درسی حوزه‌های یادگیری، طراحی عناوین درسی و مسائل مرتبط با آن (همانند تلفیق و میزان و نوع آن) و تهیه و تولید بسته‌های یادگیری و مسائل مرتبط با آن (همانند چگونگی چینش محتوا و تولید ابزارهای آموزشی متنوع) و اجرا و استقرار برنامه مورد انتظار در مدرسه (از فهم برنامه توسط عوامل سهیم و مؤثر و بخصوص معلمان گرفته تا تدارک موقعیت‌های یادگیری و...) هماهنگی وجود داشته باشد. اصول و ملاحظات کلی از طریق تحلیل رویکردها و اهداف/شایستگی‌های دوره و همچنین، اسناد بالادستی و ادبیات برنامه درسی به دست می‌آید.

گام دوم: پیرایش و رفع تداخل راهنماهای حوزه‌های

تربیت یادگیری:

این گام با تکیه بر نتایج حاصل از گام اول انجام می‌گیرد. مهم‌ترین اقداماتی که در این گام انجام می‌شوند، عبارتند از:

(۱) یکدست کردن زبان و ادبیات نگارش راهنمای حوزه‌های یادگیری، به گونه‌ای که با دیدن آنها حس شود که این مجموعه در یک مؤسسه تولید شده است.

۲) ویرایش مؤلفه «منطق و رویکرد» راهنمای حوزه (با توجه ویژه به: یکدست کردن ادبیات و حجم، اشاره به رویکردهای رایج آموزش حوزه و تعیین نسبت میان این رویکردها با فطرت‌گرایی توحیدی و دیگر مبانی و رویکردهای مذکور در اسناد بالادستی در حد مقدور)

۳) پیرایش اهداف از طریق: (الف) حذف اهداف فراحوزه‌ای و (ب) محدود کردن آنها در چارچوب زمان پیش‌بینی شده مرتبط با هر حوزه در دوره‌های تحصیلی (گام پیشین)

۴) پیرایش محتوا از طریق: (الف) حذف محتوای خالص فراحوزه‌ای به این معنا که فقط آن دسته از مفاهیم، مهارت‌ها و ارزش‌ها باقی بمانند که یا صرفاً مختص همان حوزه یادگیری باشند و یا حاصل درهم‌تنیده شدن مفاهیم، مهارت‌ها و ارزش‌های اختصاصی حوزه با ابعاد و سطوح شایستگی‌های مشترک/فراحوزه‌ای باشند؛ و (ب) محدود کردن دامنه محتوا در چارچوب زمان پیش‌بینی شده مرتبط با هر حوزه در دوره‌های تحصیلی (گام پیشین)

۵) پیرایش دیگر مؤلفه‌های موجود در راهنمای حوزه‌های تربیت و یادگیری (یعنی «راهنمای تربیت و یادگیری»، «معلم»، «خانواده»، «متربی»، «محیط تربیت و یادگیری» و «ارزشیابی») به گونه‌ای که کلیه مباحث مشترک میان حوزه‌ها در این مؤلفه‌ها حذف شده و فقط مطالبی باقی بماند که به صورت اختصاصی، به یک حوزه خاص مرتبط است (حتی اگر حجم چنین مطالبی، مختصر و اندک باشد).



گام سوم: تعیین عناوین درسی و توزیع زمان آموزش:

براساس تحلیل دامنه محتوایی حوزه‌های تربیت و یادگیری (سهم حوزه‌های تربیت و یادگیری در عناوین دروس / میزان درصد یا ساعت تعلق گرفته در گام اول)، اهداف و رویکردهای دوره‌ها و همچنین تحلیل دلالت‌های مربوط به دروس در اسناد بالادستی خصوصاً سند برنامه درسی ملی، عناوین درسی، حجم/سهم زمانی هر یک از آنها و تناظر هر یک از آنها با اهداف/شایستگی‌های مشترک یا حوزه‌ای-اختصاصی، در قالب ساعات کلاسی و غیر کلاسی و همچنین سهم برنامه‌های مدارس (همانند برنامه ویژه مدرسه)، منطقه، استان و ستاد از عناوین و زمان در هرپایه تحصیلی مشخص میشود. خروجی این گام، بازطراحی جدول عناوین دروس و میزان زمان آنها، نحوه توزیع زمان (این که به صورت ساعات هفتگی یا به نوعی دیگر مثلاً به صورت حجمی-بسته‌ای در نظر گرفته شوند) و زمان‌بندی فعالیت‌های مدرسه‌ای خارج کلاسی به تفکیک پایه خواهد بود.

گام چهارم: تهیه راهنمای تفصیلی هر یک از عناوین

دروس

در این گام، طبق جدول عناوین دروس، راهنمای تفصیلی هر درس آماده خواهد شد. عناوین دروس در دوره‌های مختلف متنوع هستند و پیش‌بینی می‌شود در حالی که برخی از آنها (خصوصاً در دوره متوسطه) متناظر با عناوین رشته‌ای (همانند ریاضی، زیست‌شناسی، روان‌شناسی و مانند آن) باشند، برخی دیگر به‌گونه‌ای خواهند بود که ناظر به شایستگی‌های مشترک یا تلفیقی خواهند بود (به عنوان نمونه، می‌توان عناوین دروسی همانند «آداب و مهارت‌های زندگی» یا «دنیای پیرامون من» یا «فعالیت‌های آزاد» یا حتی مجموعه‌ای از واحدهای یادگیری طراحی شده بر اساس رویکرد تلفیق با اسامی متنوع (مثلاً واحدهای یادگیری «آب»، «در خیابان»، «در باغ» و مانند آن) را در نظر گرفت). راهنمای تفصیلی هر عنوان درسی شامل این مؤلفه‌ها خواهد بود:

- زمان آموزش و چگونگی سازمان‌دهی آن (که می‌تواند در قالب‌های مختلف از قبیل درصد، ساعت هفتگی، ساعت حجمی و ... ارائه شود)
- منطبق درس و نقش و جایگاه آن در تأمین اهداف دوره و پایه
- اهداف درس (در قالب انتظارات عملکردی)
- نقشه / دامنه محتوایی درس (در قالب جداول وسعت و توالی و



استانداردهای محتوا)

— راهبردها و روش‌های یاددهی و یادگیری

— راهبردها و روش‌های ارزش‌یابی و استانداردهای عملکرد

— محیط یادگیری

— اجزای بسته یادگیری عنوان درسی

راهنمای تفصیلی عناوین دروس بر اساس نتایج گام سوم (عناوین دروس و توزیع زمان) و از طریق منبع قرار دادن و تحلیل گام‌های اول و دوم به دست می‌آید.

گام پنجم: تهیه راهنمای عمل برنامه درسی ملی در

سطح مدرسه

این گام یکی از مهم‌ترین مراحل فرآیند بوده و خروجی آن، بیشتر حاصل برهم‌نهی بخش‌هایی از خروجی‌های گام اول (خصوصاً بخش هویت دوره‌های تحصیلی)، گام سوم (عناوین درسی و جدول توزیع زمان آموزش)، گام چهارم (سرفصل‌های عناوین دروس) و علاوه بر آنها، تولید برنامه‌های ویژه ناظر به گونه‌های متنوع تربیت و یادگیری مورد مطالبه اسناد بالادستی همانند چند پایه، استعداد‌های درخشان، استثنایی، عشایری، دوزبانه و فعالیت‌های مکمل و فوق برنامه است.

این راهنما که به توضیح و ترجمه برنامه درسی به زبان مدرسه می‌پردازد، نه تنها مورد استفاده معلم و دیگر عوامل مدرسه خواهد بود، بلکه برای دیگر عوامل منطقه، استان و ستاد نیز قابل استفاده خواهد بود. مهم‌ترین مؤلفه‌های راهنمای عمل برنامه درسی ملی در سطح مدرسه عبارتند از:

- غایت یا ایده کلی دوره

- اهداف / شایستگی‌های دوره (در قالب انتظارات عملکردی)

- مهم‌ترین رویکردها و جهت‌گیری‌های دوره

- عناوین دروس و زمان آموزش به تفکیک پایه‌ها

- مفاهیم، مهارت‌ها و ارزش‌های مورد تاکید دوره

- راهبردها و روش‌های یاددهی و یادگیری دوره

- راهبردها و روش‌های سنجش و ارزشیابی دوره

- نقش ویژه هر یک از عوامل تربیت در دوره (خصوصاً معلم و عوامل مدرسه، دانش‌آموز و خانواده)

- محیط‌های یادگیری ویژه دوره

- رویکرد/جهت‌گیری‌های مورد نظر دوره تحصیلی

و:

- سرفصل‌های هر یک از دروس دوره به تفکیک پایه

و:

- راهنمای برنامه‌های ویژه مورد مطالبه اسناد بالادستی و زیرنظام برنامه



درسی مربوط به هر دوره تحصیلی شامل:
چند پایه، استعدادهای درخشان، استثنایی، عشایری، دوزبانه، فعالیت‌های
مکمل و فوق برنامه و ...

گام ششم: تهیه راهنمای تولید بسته یادگیری توسط سازمان و ارائه طرحواره تولید توسط گروه مؤلفان

در این گام، در مرحله نخست، چارچوب راهنما، نقشه راه و استانداردهای تولید بسته‌های تربیت و یادگیری (هم به صورت کلی و مشترک و هم
احیاناً در هر یک از دوره‌ها، پایه‌ها و رشته‌های تحصیلی) توسط سازمان
تدوین و ارائه خواهد شد. سپس در مرحله بعد، انتظار می‌رود که تولید
کنندگان بسته یادگیری یا هر یک از اجزای آن، قبل از تولید، طرحواره
تولید (یا به بیان دیگر، نقشه کار یا ماکت آن) را به سازمان پژوهش ارائه
دهند تا پس از بررسی، در صورت مبتنی بودن این طرحواره بر گام پنجم
(راهنمای عمل برنامه درسی ملی در سطح مدرسه) و همین‌طور انطباق
آن با راهنمای تولید و استانداردها^۱ و سیاست‌های سازمان، مجوز تولید
آن صادر شود. طرحواره تولید بسته حداقل شامل این عناصر خواهد بود:

۱- بخشی از این استانداردها قبلاً در شورای هماهنگی سازمان تولید شده که با بازنگری، اصلاح و تکمیل
می‌تواند در این مرحله کمک‌کننده باشد.

■ تعیین اجزای بسته یادگیری برای عنوان درسی انتخاب شده

- ۲- با عنایت به کاربردهای مختلف از منظر مخاطب می‌توان بسته‌های آموزشی را به ۴ نوع تقسیم کرد:
- ۱- بسته آموزشی معلمان:
- بسته آموزشی معلمان به منظور کمک در فعالیتهای یاددهی-یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد و اجزای آن عبارتند از:
- کتاب راهنمای معلم
 - کتاب / برگه‌های ارزشیابی (تشخیصی، تکوینی، پایانی)
 - رسانه‌های دیداری / شنیداری مانند: نرم افزار / فیلم / کتاب گویا / اسلاید / برنامه‌ها (اپلیکیشن‌ها) / چند رسانه ای‌ها / ...
 - راهنمای تهیه مواد یاددهی-یادگیری و وسایل آموزشی: وسایل مورد نیاز به تناسب مفاهیم و موضوعات و پیچیدگی محتوا جهت استفاده در فرایند تدریس
 - راهنمای معلم برای مناطق ۲، ۳، ۴ / کلاس‌های چند پایه (در دوره ابتدایی)
 - راهنمای استفاده از بسته آموزشی
 - راهنمای تفصیلی طراحی آموزشی برای یک واحد یادگیری
 - معرفی منابع پشتیبان / حمایتی / مجلات / کتابهای حمایتی و پشتیبانی /...
- ۲- بسته آموزشی دانش آموز:
- بسته آموزشی دانش آموز به منظور تسهیل، تعمیق و ماندگار کردن یادگیری پیش‌بینی شده است و اجزای آن می‌تواند شامل این موارد باشد:
- کتاب درسی
 - کتابهای کمک درسی (کار، تمرین، ارزشیابی و...)
 - پوستر، نقشه، نمودارها، مجلات آموزشی، اشیای مورد نیاز و...
 - رسانه‌های دیداری - شنیداری مانند: نرم افزارها / فیلم‌ها / کتاب گویا / چند رسانه‌ای‌ها / ...
 - راهنمای مطالعه و چگونگی استفاده از راهبردهای یادگیری
 - ساینتهای مرتبط با موضوع و مباحث درسی
- ۳- بسته آموزشی کلاس درس
- بسته آموزشی مربوط به یک موضوع درسی یا یک شایستگی یا یک مفهوم کلیدی می‌تواند بسیار متنوع باشد و به توسعه و بهبود فرایند یاددهی-یادگیری در کلاس درس کمک نماید. اجزای چنین بسته‌ای می‌تواند شامل این موارد باشد:



- طراحی ماکت هریک از اجزای بسته به گونه‌ای که سازمان فکری و شکلی آن نمایان باشد. این ماکت حداقل شامل این عناصر خواهد بود:
- توزیع انتظارات عملکردی عنوان درسی بین واحدهای یادگیری
- توزیع محتوا (ایده‌های کلیدی، مفاهیم، مهارت‌ها و ارزش‌ها/نگرش‌ها) بین واحدهای یادگیری

- سازمان مطالب از حیث پداگوژیک

این توضیح ضروری است که هرچند در صورت مهیا بودن شرایط، می‌توان از تولیدکنندگان برون‌سازمانی نیز برای تولید برخی بسته‌های تربیت و یادگیری در این گام استفاده کرد، ولی مفروض آن است که بخش مهمی از بسته‌ها و اجزای آنها همچنان در سازمان تولید خواهند شد و طی مراحل تدریجی، استفاده از ظرفیت‌های برون‌سازمانی توسعه خواهد یافت.

- رسانه‌های دیداری- شنیداری (نرم افزارها، فیلم، اسلاید ، فن‌آوری های تربیتی- آموزشی و...)

- لوحه‌ها، آلبوم نقشه‌ها، اسلاید ها، عکس های مورد نیاز و مربوط به موضوعات درسی و...

- رسانه های ۳ بعدی، وسایل آموزشی و مواد، نمونه کیت ها، مولاژها و...

- راهنمای استفاده از بسته آموزشی

۴- بسته آموزشی اولیای دانش آموز:

بسته آموزشی اولیای دانش آموزان به منظور جلب پشتیبانی هدفمند آنان از یادگیری موثر دانش آموزان و نقشی که قرار است در یک موضوع درسی به عهده گیرند، تولید می‌شود و اجزای آن عبارتند از:

- کتاب راهنمای اولیای دانش آموزان (آنچه اولیای دانش آموزان باید در مورد چگونگی اجرای این موضوع / درس بدانند تا قادر باشند نقششان را به خوبی ایفا نمایند)

- رسانه های دیداری - شنیداری شامل فیلم / نرم افزار و ...

گام هفتم: تولید بسته یادگیری



در این گام، هر یک از اجزای بسته یادگیری بر اساس طرحواره تأیید شده در گام پیشین تولید خواهد شد.

گام هشتم: ارائه خدمات پشتیبانی و اشاعه



از سازمان پژوهش انتظار می‌رود در کنار تولیدهای خود (راهنمای عمل برنامه درسی ملی در سطح مدرسه و همچنین، بسته‌های تربیت و یادگیری) برای تحقق بهتر فرصت‌های یادگیری مبتنی بر این تولیدات در مدارس، مجموعه‌ای از خدمات حمایتی و پشتیبانی را نیز ارائه کند. سازمان در این جهت، نه تنها موظف است چارچوب ارائه خدمات خود را به صورت شفاف اعلام نموده و متعهد به آنها باشد، بلکه می‌تواند -و باید- بخش‌های ذی‌ربط -خصوصاً در سطح ستاد، استان‌ها و مناطق- را نیز در این خصوص همراه ساخته و ظرفیت‌های آنها را فعال نماید. این اقدام آنچنان اهمیت دارد که در ادبیات برنامه درسی، اجرای درست برنامه‌ها به مراتب از تولید آنها سخت‌تر و با اهمیت‌تر دانسته شده است. متأسفانه سازمان پژوهش در این باره سالهاست که فاقد یک نظام منسجم و هدفمند است. این نظام ارائه خدمات، حداقل شامل این ابعاد می‌شود:



مراقبت از استقرار برنامه (از جهت وجود فیزیکی برنامه و بسته‌های تولید شده در مدارس؛ و از جهت فهم برنامه‌ها به معنی درست فهمیدن آنچه که باید در مدرسه اتفاق بیفتد)

نگهداشت و مراقبت از اجرای مستمر و با کیفیت برنامه
فعال کردن چرخه بازخورد به منظور اصلاح مداوم و روزآمد و کارآمد کردن برنامه

تعیین نسبت برنامه درسی دوره با عوامل سهیم و مؤثر در اجرای برنامه (شامل سطوح مختلف آموزش و پرورش (حوزه ستادی، ادارات کل، مناطق و مدارس)، دانشگاه فرهنگیان، خانواده، رسانه و ...)
توضیح و تبیین چگونگی ارائه خدمات علمی و آموزشی به مدرسه



می‌توان تمام آن‌چه گذشت را اینگونه خلاصه کرد که سازمان در صورتی به مأموریت و وظایف خود به صورت کامل عمل خواهد کرد که سه اقدام اساسی را به سامان برساند:

(۱) تولید راهنمای عمل برنامه درسی ملی در سطح مدرسه

(۲) تولید بسته‌های تربیت و یادگیری

(۳) ارائه خدمات پشتیبانی و حمایتی نسبت به تولیدات یاد شده پیشین
گام‌های هشت‌گانه فوق، به این منظور طراحی شده‌اند که نقشه راه سازمان در به سامان رساندن این سه اقدام باشند. البته برخی از این گام‌ها، پیش‌نیازها و خرده مرحله‌هایی (همانند مطالعات تطبیقی، نیازسنجی و مطالعات تحلیلی و فراتحلیلی) دارند که می‌توان آنها را به موازات برخی گام‌های ابتدایی نیز پیش برد، ولی در کلیت خود، بدون در نظر گرفتن ترتیب و توالی میان آنها نمی‌توان تصویری منسجم و یکپارچه از آنچه سازمان باید به آن پردازد، به دست داد.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی





